

رئیس‌جمهور آمریکا در گفت و گو با روزنامه دلیلی میل تأکید کرد که قصد دارد دوباره در انتخابات ۲۰۲۰ شرکت کند. وی افزود: «همه از من می‌خواهند و تأکید کرد هیچ نامزد دموکراتی نیست که بتواند مرا شکست دهد. او دربارهٔ ملکه سالخورده انگلیس نیز گفت: او زن فوق‌العاده‌ای است. او خیلی باهوش است و خیلی زیبا. وقتی می‌گویم زبیا منظور زیبایی درونی و بیرونی است. او زن زیبایی است.

تحلیل رسانه‌ها

ترامپ مدعی پیروزی در نشست پرتنش ناتو

گاردین: سِران اروپایی ناتو از آن چه در یکی از سرنوشت سازترین نشست‌های عمر ۶۹ساله این نهاد گذشت و نتیجه‌گیری رئیس‌جمهور آمریکا از این نشست، متعجب هستند. دونالد ترامپ در پایان این نشست و در اقدامی که می‌تواند اتحاد نظامی غرب را با تهدید جدی روبه‌رو کند، اولتیماتومی تا ژانویه ۲۰۱۹ تعیین کرد که در صورت افزایش نیافتن بودجه نظامی از سوی دیگر اعضای ناتو تا پایان سال ۲۰۱۸، ایالات متحده خروج از این اتحاد نظامی را بر سری خواهد کرد. برخی رهبران ناتو اولتیماتوم ترامپ را افقتی شده بلوف قلمداد کرده‌اند، اما همین رهبران نیز نشست پرتنش دوروزه ناتو در بروکسل را خشمگینانه ترک کردند؛ تنش‌هایی که حتی تا آخرین ساعات هم از سوی ترامپ ادامه داشت. رئیس‌جمهور ایالات متحده در ساعات پایانی بزرگ‌ترین ائتلاف نظامی جهان بسیار دیرتر از دیگر رهبران وارد محل برگزاری نشست شد و بدون توجه به دستور کار جلسه‌خواستار جلسه‌ای فوری و اضطراری برای بررسی بودجه ناتو شد. پس از آن هم ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی پر حاشیه خود مدعی شد رهبران اروپایی با خواسته او برای افزایش بودجه نظامی موافقت کرده‌اند، اما این ادعا از سوی صدراعظم آلمان و رئیس‌جمهور فرانسه تکذیب شد. ترامپ در گفت‌وگوی خود با رسانه‌ها پس از پایان نشست ناتو گفت رهبران اروپایی موافقت کرده‌اند به تعهد خود در اختصاص ۲درصد تولید ناخالص داخلی برای بودجه نظامی تا زودتر از زمان برنامه‌ریزی شده عمل کنند و حتی ممکن است این تعهد در آینده به بیش از ۳درصد برسد؛ اما رهبران اروپایی از جمله امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، روایت متفاوتی از خروجی نشست ناتو دارند. او با تکذیب بخشی از اظهارات ترامپ گفت رهبران درباره هنج گویع هیچ افزایش تعهد مالی فراتر از ۲درصد توافق نکرده‌اند. به گفته مکرون همه چیز در بیانه‌ای که ناتو در اختیار رسانه‌ها قرار داده، مشخص شده است. «در بیانیه رسمی ناتو، هدف اختصاص ۲درصد از سهم تولید ناخالص داخلی اعضا به بودجه نظامی تا دو سال ۲۰۲۴ است». هیچ اظهارات مکرون و بیانه‌ی ناتو را ملّا کار قرار دهیم، چرا که توافق تازه‌ای در نشست ناتو حاصل نشده، پیچ‌های در این بیانه همان جدول زمانی مهم‌ی پیشین برای افزایش بودجه تکرار شده است. دونالد ترامپ هم در کنفرانس مطبوعاتی خود در اظهاراتی دوپهلو و ظاهرًا با تعین مهلت تا ژانویه ۲۰۱۹ خروج از ایالات متحده از ناتو در صورت افزایش نیافتن بودجه از سوی دیگر اعضا خبر داد؛ اما این مهلت کمتر از شش ماه ترامپ، در نظر بسیاری از اعضای اتحاد غیر عملی است. مکرون اعتقاد دارد اظهارات ترامپ تهدید به معنی تهدید به خروج تلقی شود: «رئیس‌جمهور ترامپ به مذاکرات خصوصی و نه در گفت‌وگو با رسانه‌ها به خروج ایالات متحده از ناتو تهدید نکرده است». تفسیرهای متفاوت از اظهارات رئیس‌جمهور ایالات متحده در کنفرانس مطبوعاتی در شرایطی در رسانه‌ها مطرح می‌شود که ترامپ در این کنفرانس و با وجود اصرار خبرنگاران حاضر نشد تأیید کند اظهاراتش را نباید اولتیماتوم برای دیگر اعضای شمار آورد. او حتی برای ادا من زدن به این گمانه‌ها و در پاسخ به این سؤال که «براساس قانون اساسی ایالات متحده، خروج از ناتو باید با تأیید کنگره انجام شود»، پاسخ داد: «فکر می‌کنم بتوانم شخصاً فرما خروج را صادر کنم، اما لزومی به این کار نمی‌بینم». بر اساس قانون اساسی آمریکا، عضویت ایالات متحده در ناتو فقط با تأیید دوسوم اعضای سنا لغو می‌شود. ترامپ در جمع‌بندی اظهارات خود در نشست ناتو از «پایان خوش» این نشست خبر داد و تأکید کرد: «وئاسته ناراضیاتی خود از وضع موجود را به دیگر اعضا فهمید کند». از سوی دیگر انگلا مرکل، صدراعظم آلمان که در دوروز قبل از نشست ناتو هدف حملات ترامپ قرار داشت، این نشست را «بسیار پرتنش» ارزیابی کرد. ایالات متحده حدود ۳/۵درصد تولید ناخالص داخلی خود را به بودجه نظامی ناتو اختصاص داده، اما این رقم برای آلمان فقط ۱/۲درصد است. مرکل هم در پاسخ به پرسش‌ها درباره تهدید ترامپ به خروج از ناتو گفت: «رئیس‌جمهور آمریکا خواستار آن شد تا در ماه‌های پیش‌رو در این باره بحث بیشتری شود و در نشست اضطراری ناتو هیچ تصمیم تازه‌ای اتخاذ نشد». بیس اسنو لنتربگ، دبیر کل ناتو نیز با تأیید برگزاری نشست اضطراری ایالات متحده و ۲۸ عضو دیگر ناتو در اظهاراتی کلی این جلسه را «مفید برای تقویت نقش ناتو و لزوم قدرتمندبودن این ائتلاف نظامی» دانست. نشست سِران را به تمام تنش‌های قابل پیش‌بینی در حالی به پایان رسید که ترامپ مستقیماً از بروکسل به لندن رفت و دوشنبه نیز در هلسنیکی فنلاند با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، دیدار کرد. پوتین در حالی راه همدردی رئیس‌جمهور آمریکا می‌شود که نمی‌تواند خشنودی خود را از تنش در ناتو پنهان کند. نگرانی رهبران ناتو نیز این است که ترامپ آنچه را در سنگاپور و در دیدار با کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، انجام داد، این بار در هلسنیکی تکرار کند و بدون اطلاع و موافقت متحدان غربی خود امتیازاتی به پوتین بدهد. ترامپ در گفت‌وگوی خود با خبرنگاران در بروکسل و در پاسخ به این سؤال که «آیا شما در دیدار با پوتین اعطای امتیازاتی از جمله تعلیق مانورهای نظامی در شرق اروپا یا به رسمیت شناختن الحاق کریمه به روسیه را در نظر دارید؟»، پاسخی مبهم داد و گفت: «انضمام کریمه به روسیه در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما انجام شد. اگر من رئیس‌جمهور بودم چنین اتفاقی رخ نمی‌داد».



از سرکوب‌های رژیم بعث تا عافیت طلبی و بی‌تفاوتی امروز

روشنفکران عراقی مقصرند

هنگامی که اروپا، به ویژه اروپای مرکزی، دستخوش خشونت و سرکوب گسترده فاشیسم و نازیسم در ایتالیا و آلمان و اتریش شد طبقه‌ای که به شدت با آن‌ها برخورد و تلاش شد تا از روند اجتماعی و فرهنگی کشور کنار گذاشته شوند، اندیشمندان صاحب‌نظران، دانشمندان علوم اجتماعی و فرهنگی کشور کنار گذاشته شوند، در پی این قلع و قمع بسیاری از آن‌ها مجبور به مهاجرت از کشور هایشان به سمت ایالات متحده آمریکا تا اندازه کمتری بریتانیا شدند. دانشمندان و فرهیختگان بسیاری به ویژه از آلمان، ایتالیا، اتریش، لهستان، چک، مجارستان و لهستان مجبور به مهاجرت شدند که از جمله آن‌ها می‌توان به هرمان هسه، لودویگ وینگشتاین، زیگموند فروید، فرانتس نوبمان، اریک فروم، توماس مان، گائتانو سالومینی، هربرت مارکوزه، ماکس هورکهایمر، تئودور آدورنو و بسیاری دیگر اشاره کرد. اگرچه بسیاری از این دانشمندان و فرهیختگان به دلیل پهنودی سون مجبور به ترک دیارشان شدند اما در میان آن‌ها کسانی هم بودند که پیوستی نبودند و به واسطه فشارهای حکومت‌های فاشیسم و نازیسم مجبور به مهاجرت شدند. بسیاری از آن‌ها باحاضر به قبول نظام حاکم بر کشورشان نشتند و تر جیح دادند مهاجرت کند تا به افشاگری علیه حکومت‌های استبدادی حاکم بر کشورشان مجادرت ورز دند، مثل سال وومینی یا یاضا رآن قدر سخت دیدند که احساس کردند دیگر مجالی برای تنفس فرهنگی و علمی وجود ندارد، مثل لودویگ وینگشتاین یا توماس مان. نکته بارز اقدام آن‌ها در این بود که تقریباً تمام این افراد با مهاجرت خود هویت خود را حفظ کردند و رسالت خود را به تقویت فرهنگ کشورشان

تغییر مسیر ترامپ به سوی خصوصی سازی جنگ افغانستان

خواب آشفته «بلک واتر» برای افغان‌ها

جمهور قبیله افغانستان را نیز برانگیخت باعث شد، بلک واتر تغییر نامو به شکل چراغ خاموش به فعالیت خود در افغانستان ادامه دهد. زیرا دولت این کشور بر اساس بند ۷۵ قانون اساسی فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی در افغانستان را ممنوع اعلام کرد. اما رئیس‌جمهور آمریکا در تلاش است تعریف جدیدی از حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان ارائه دهد و به همین دلیل پیشنهاد واگذاری امور خاره امریکانیز تأکید دارند. جنایات صورت گرفته از سوی نیروهای بلک واتر در افغانستان و عراق که اعتراض شدید «حامد کرزی» رئیس

الاخبار: سفر تانیا هو به روسیه تکراری وبدون برگ برنده بود

دست‌های خالی «بی‌بی»

آن گونه که از شواهد و قرائن بر می آید نتانیا هو در سفر اخیر خود به روسیه چیزی دستگیرش نشده است و الا اخبار بر می‌شد از دستاوردهای سفر وی همچنان که در گذشته نیز هر گونه دستاورد ولو جزئی سفر وی بر چسته و روزها درباره آن تبلیغ می‌شد.
الاخبار، سفر تانیا هو به روسیه را تکراری وبدون برگ برنده دانست. روزنامه «اسرائیل الیوم» هم نوشت: درست است که اسرائیل دور کردن آن‌ها (ایران را حزب...) از مرزها و سپس اخراجشان از سوریه را خواستار است اما مسئولان روسیه و آمریکا در پاسخ به این مطالبات، تنها به تکان دادن سروا بر همدردی اکتفا خواهند کرد. به نظر می‌رسد دو عامل در این زمینه موثر بود: نخست سفر هم‌زمان نماینده رهبری ایران به روسیه که با استقبال گسترده همراه شد و گستره این سفر و نتایج آن به کلی



ترامپ: چون «همه می‌خواهند» در انتخابات ۲۰۲۰ نامزد می‌شوم

مردم را به هیئت حاکمه منتقل و از سوی دیگر در شکل‌گیری حکومت‌های جدید بعد از فروپاشی حکومت‌های فاشیستی و نازیسم در اروپا نقش آفرینی کنند. بی‌شک شکل‌گیری دموکراسی‌های اروپایی مدرن و موفق بعد از جنگ جهانی دوم مرهون وجود چنین نخبه‌هایی است. این مقدمه را نوشتیم تا شهادتی داشته باشیم و بتوانیم به بررسی وضعیت کشوری مثل عراق که بعد از فروپاشی حکومت استبدادی آن به آزادی رسید، بپردازیم. با سرنگونی حکومت به شدت پلیسی حزب بعث، در عراق گشایش فضای باز سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را شاهد بودیم که تا آن موقع در عراق سابقه نداشت؛ بلافاصله بعد از سقوط حکومت صدام حسین فضای باز رسانه‌ای به شدت در عراق گشایش گرفت و خیلی سریع به سمتی رفت تا هدایت افکار عمومی عراق را به دست بگیری. سرعت اخبار بسیار زیاد بود و فضای کاملاً باز رسانه‌ای به عراقی‌ها کمک می‌کرد به هر نوع خبری در هر سطحی دسترسی داشته باشند. در چنین فضایی که سیلی از اخبار به مخاطب بحران زده عراقی می‌رسید، حتی اخبار دروغ به جای اخبار حقیقی به خورد مخاطب داده می‌شد. اما این فضا یک عنصر مهم را نداشت: نخبگانی که بیضی افکار عمومی را به دست بگیرند و چنان جایگاه رفیعی داشته باشند که مورد احترام تمامی طرف‌ها، از جامعه تا سیاستمداران باشند. تا اندازه بسیاری حوزه علمیه نجف و مراجه نظام تلاش کردند که این مسئولیت را بر عهده بگیرند و انصاف‌ها م اندازهای موفق عمل کردند اما تحمل تمامی بار این مسئولیت که ابعاد گسترده‌ای دارد، بر دوش حوزه امکان پذیر نیست. برای همین شاهدیم که حلقه مفقوده‌ای میان جامعه با حکمت پدید آمده است. نبود این حلقه حتی باعث شده تا شکل‌گیری حکومت در بعد از زامداری صدام حسین بر از اشکال باشد و نتواند آن چه مطلوب کشور پیچیده‌ای مثل عراق است، شکل بگیرد. این مسئله دو دلیل عمده دارد: سرکوب شدید دوران صدام حسین و عافیت طلبی و شیفتگی و ذوب روشنفکران و متفکران عراقی در فرهنگ غربی و کشورهایی که به آن‌ها مهاجرت کرده‌اند. سرکوب شدید حکومت بعثی و شخص صدام حسین که از اوایل دهه هفتاد میلادی آغاز شد و تا ابتدای هزاره جدید حدود ۳۰ سال را در بر می‌گرفت، آن قدر شدید بود که دانشگاه‌های عراق را از هر متفکر و اندیشمندی تهی کرد. دانشگاه بغداد که تا قبل از روی کار آمدن حکومت بعثی از دانشگاه‌های معتبر آسیا بود چنان اقی کرد که حتی در میان هزار و ۵۰۰ دانشگاه دنیا ردی از آن دیده نمی‌شد. اهالی فکر و نخبگران فرهنگی و علمی همگی با اعدام شدن یا خانه نشین و مهجور یا مجبور به مهاجرت، دستگاه سرکوب صدام حسین، به خصوص در دهه هشتاد میلادی، حتی در قلب پاریس و لندن فضای جامعه مهاجر عراقی را رصد می‌کرد و به تصفیه و ترور مخالفان صدام حسین می‌پرداخت. سکوت و مکانیزم نظیر مکتب فرانکفورت یا حلقه‌وین حاصل همین دوران است. این حلقه واسط سبب شد تا آن‌ها بتوانند از یک سوبه خوبی خواسته‌های

بین الملل

همدستی غرب با صدام حسین برای تهی ساختن جامعه فرهنگی عراق از هر گونه عنصر مطلوبی را القای کرد.

خودداری نخبگان از بازگشت

از سوی دیگر خود نخبگان عراقی نیز در این مودود و رکود فکری و اجتماعی و فرهنگی موثر بودند. بسیاری از کسانی که از حکومت بعثی فرار کردند و راهی اروپا و آمریکا شدند بعد از سقوط صدام حسین در حالی که جامعه عراقی به شدت انتظار بازگشت آن‌ها را می‌کشید از بازگشت خودداری کردند و عافیت طلبی را بر خدمت به کشور ترجیح دادند. البته بسیاری از آن‌ها هم، چنان در فضای جامعه غربی ذوب شدند که با جامعه عراق به شدت احساس بیگانگی می‌کردند و بر بسیاری موارد به جامعه‌ای که به آن مهاجرت کرده بودند وابستگی بیشتری تا جامعه مادری خود احساس می‌کردند. برای مثال کتمان مکیه، احمد طبر، لیث کبه و بسیاری دیگر که از اعضای گروه‌های سیاسی مخالف حکومت بعث بودند و از چهره‌های فرهنگی بارز اپوزیسیون محسوب می‌شدند، بعد از سقوط صدام حسین حاضر به نقش آفرینی در جامعه خود نشدند و ترجیح دادند در هجرت بمانند و در فضایی که حضور آن‌ها را پذیرفته بود به سر بربند و به کشورشان بازنگردند. اگر بخواهیم در مقام مقایسه کشوری عربی را برای عراق مثال بزنیم، تونس و مصر مثال‌های روشنی هستند. در هر دو کشور در دوره زین العابدین بن علی و محمد حسنی مبارک استبداد آهنین حاکم بود اما جامعه روشنفکر و فرهنگی آن‌ها چنان جایگاه رفیعی داشتند که در برهه بعد از سرنگونی شان به خوبی توانستند نبض اجتماعی و فرهنگی را به دست بگیرند و فشار را به سویی بربند که کمترین هزینه‌ها مرتب کشورشان شود. بزرگ‌ترین نویسنده‌ها و متفکران جهان عرب در مصر هستند، این جامعه همیشه پویا بوده و با وجود این که مصر با مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دست به گریبان بوده، هر صه را خالی نکرده‌اند. روشنفکران مصری همواره با جامعه خود در ارتباط بودند و اگر هم دست به مهاجرت زدند هیچ گاه خانه‌پدری و جامعه خود را فراموش نکردند و ارتباط خود را با آن‌ها حفظ کردند. حالی که چنین رابطه‌ای برای اهل فکر عراقی به خصوص در حد اقل سطح ممکن بوده است. بی‌شک روشنفکران و نخبگان فرهنگی عراقی با بی‌تفاوتی که نسبت به جامعه خود داشته‌اند در شکل‌گیری فضای نامطلوب فعلی عراق بسیار مقصرند. نبود آن‌ها سبب شده است تا صدای ملت نتواند برای هیئت حاکمه تر جیح شود و حکومت نتواند به شکل مطلوبی سامان بگیرد. تداوم این وضعیت می‌تواند حتی عواقبی از این شدیدتر به دنبال داشته باشد.



راندگی و اقدام به تیراندازی می‌کردند و جنایات زیادی را مرتکب شدند. «در هر حال، حدود ۲۰ شرکت امنیتی خصوصی در افغانستان فعال هستند که شرکت بلک واتر با حمایت‌های مستقیم دولت آمریکا در صدد ایفای نقش خود در عرصه امنیتی افغانستان است اما مهم‌ترین هدف آن تسلط بر منابع معدنی این کشور است. زیر اثرش امنیت از نظر مسئولیت قانونی نمی‌تواند بر امور معدنی افغانستان مسلط شود که ارزش آن بیش از سه هزار میلیارد دلار است. از این رو واشنگتن در صدد تعریف جدیدی از ماموریت بلک واتر در افغانستان است.

کیلومتری جولان و زمینه‌سازی برای تبدیل آن به منطقه خائل استوار بود و از طرف دیگر دولت ترامپ نیز نشان داد که علی‌رغم حمایت‌های گسترده‌ای که تا کنون از دولت تانیا هو در زمینه‌های مختلف از جمله انتقال پایتخت به درگیری‌های داخلی نزدیک می‌شود. البته است اما حاضر نیست تجربه تلخ جنگ عراقی را در سوریه تکرار کند و به تغیر رژیم صهیونیستی وارد جنگ شود. بر این اساس با توجه به دست‌آورد همچنان که زور و به جنگ در جبهه جنوبی علی‌رغم محکم بودن عقبه آن به رژیم صهیونیستی واردن بعید به نظر می‌رسد آمریکا ریسک رورابری نظامی به سوریه را در مقام یک بهرءاخواهد داشت اما در عمل اگر می‌دولت و ارتش سوریه را برای آزادسازی مناطق اشغالی خود

«اسرائیل الیوم» نوشت: درست است که اسرائیل دور کردن آن‌ها (ایرانیان و حزب ...) از مرزها را خواستار است اما مسئولان روسیه و آمریکا در پاسخ به این مطالبات، تنها به تکان دادن سروا بر از همدردی اکتفا خواهند کرد

۹

باصاحب‌نظران



ماری دوسکی:

پایان دیپلماسی!

توهمین، خشونت و تهدید: این تمام آن چیزی است که ترامپ علیه ترز امی، نخست‌وزیر انگلیس طی سه روز سفر به این کشور نشان داد اما در عمق این گفتمان چه چیزی نهفته است؟ ترامپ گفت وگویی جنجالی را با روزنامه «سان» انجام داد، مصاحبه‌ای که قرار بود تنها ۱۰ دقیقه وقت رئیس‌جمهوری آمریکا را بگیرد اما این گفت‌وگو ۲۸ دقیقه طول کشید. خبرنگار سان شاید خوش‌شانس‌ترین فرد در فضای سیاسی روابط انگلیس و آمریکا باشد، چرا که او توانسته جملات آتشینی را علیه دولت ترز امی از لابه‌لای صحبت‌های ترامپ استخراج کند؛ «توافق تجاری میان آمریکا و انگلیس برای خروج از اتحادیه اروپایی به آن چه مردم انگلیس برای خروج از اتحادیه اروپایی می‌قابل قبول نیست» و «جملات دیگری از این قبیل. اما در فضای رسمی ترامپ عکس این رفتار را خود نشان داد؛ تلاش کرد می‌را نخست‌وزیری قدرتمند معرفی کند و عین حال گفت تصدی برای این تحولاتی که در فضای داخلی نداشتند است. برگ‌های دفترچه خاطرات سفر ترامپ اما یکی پس از دیگری ورق می‌خورد تا جایی که رئیس‌جمهور آمریکا گفت: من فکر می‌کنم آن چه مردم انگلیس برای خروج از اتحادیه اروپایی به آن رای داده‌اند با آن چه امروز دولت می‌درباره طرح خروج انجام می‌دهد متفاوت است. در میان اظهار نظرهایی که ترامپ در انگلیس کرد نمی‌توان تنها به گفت‌وگو و با خبر شدن رسانه‌ها داشت اما از برآند تحولاتی که در لندن رخ داد می‌توان این نتیجه‌گیری کلی را کرد که انگلیس در فضای عمومی اش از رئیس‌جمهور آمریکا استقبال نکرد و او را مجبور کرد برای جلب‌تئش به خارج از شهر برود تا شاید اینجانبه حفظ شود و مجبور نباشد با موج عظیمی از معترضان سرشاخ شود. درگیری اصلی میان ترز امی و ترامپ را باید در این جمله رئیس‌جمهور آمریکا جست و جو کرد: «من صحبت‌های زیادی را می‌کرده‌ام و اهل‌حالی به او ارائه داده‌ام، او نمی‌خواهد به من گوش دهد و راه خودش را رفت». دخالت در سیاست انگلیس تا جایی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا پیش رفت که او بوریس جانسون، وزیر خارجه مستعفی دولت ترز امی را فروری باهوش و گزینۀ ای مناسب برای تصدی مقام نخست‌وزیری دانست. آیا گفتمان ترامپ از این هم پیشتر خواهد رفت؟ آیا رئیس‌جمهوری آمریکا با این گفتمان می‌تواند همچنان مسئله دیپلماسی را در دستور کار خود حفظ کند؟ بعید به نظر می‌رسد. سراسر کلامی‌ها بتوانند با چنین گفتمانی، شرکای خود را در سطح بین‌المللی متقاعد کنند تا همچنان هم‌پیمانی شان را با واشنگتن حفظ کنند. رفتار غیرمعتارف ترامپ و گفتمان او در عرصه سیاست جهانی عملاً مواضع واشنگتن را در قبال شرکاو رقبایش در سطح جهان متزلزل کرده است. زبان ترامپ و رفتار او سوالاتی را درباره مفید بودن و نبودن اتحادیه‌هایی نظیر ناتو پیش می‌آورد و هر نوع ارتباط با آمریکا را در معرض سوال قرار می‌دهد. در این بین سوال دیگری که مطرح می‌شود آن است که به بسیاری می‌گویند ترامپ صادقانه در قبال رهبران اروپایی رفتار می‌کند و از هر گونه سیاست‌ورزی در قبال آن‌ها پرهیز می‌کند، آیا هم اکنون صداقت داشتن در عرصه روابط بین‌الملل آن‌هم به سبک ترامپ که مواضعش چه در میان دوستان و دشمنانش کاملاً آشکار است مسئله است می‌رسد امریکایی‌ها در قبال شرکای اروپایی خود بتوانند توان این حجم از فشار و دخالت را داشته باشند و مادامی که ترامپ به رفتارهای خارج از عرف خود ادامه دهد، عملاً باید شاهد افزایش کشمکش‌ها و چالش‌های میان رهبران اروپا و ویشیم. سفر ترامپ به انگلیس را شاید بتوان به پایان دیپلماسی تعبیر کرد، زیرا نتیجه مذاکرات او بارهبران اروپایی چندان خودپوشش از آن دیدار هایش در انگلیس نیز مشکلات فراوانی را ایجاد کرد. مسائلی که در دسوی آتلانتیک و شرکای قدیمی را به یکدیگر بدبین کرده است.

برت استفتنر:
آمریکا اول، آمریکا منفور
آمریکانها

ترامپ قصد دارد تا نظم بین الملل لیبرال را بر فوایشی بکشد. ریاست جمهوری خود را صرف صدمه وارد کردن ذیل تابلوی «اول آمریکا» کرده است. این آسیب و لطمه طی هفته جاری به اوج خود رسید، زمانی که رئیس‌جمهور آمریکا در نشست ناتو در بروکسل، آلمان را به حالت قهر،خمی سرزنش کرد. در پی این اقدام ترامپ ترز امی، نخست‌وزیر انگلیس را طی مصاحبه‌ای تحقیر کرد. او احتمالاً در گام بعدی پیشنهاد خواهد داد که پوتین مجدد عضو گروه هفت شود، علاوه بر آن که او این کار را یک ماه پیش در کانادا انجام داد و هم‌زمان با آن با کانادا، مرکز و اتحادیه اروپا جنگ تجاری را شروع کرد. تردیدی در این نیست که قصد ترامپ فروپاشی نظم بین الملل لیبرال، گروه هفت، ناتو، اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی است. این رفتار ترامپ از رئیس‌جمهور فقط محصول شخصیت معیوب او نیست، بلکه نتیجه یک ایدئولوژی خودسر و خودرای است. انتظار این که اعضای ناتو باید میزان بیشتری از تولید ناخالص داخلی کار خود را صرف کنند منصفانه است. این که تا سال ۲۰۲۴، ۲درصد را افزایش دهند هم منصفانه است. اما این منصفانه نیست که آن‌ها به ۴درصد افزایش تا ماه ژانویه برسند و بعد ۴درصد افزایش دهند. این یک فاجعه تاریخی برای آمریکاست. آمریکا فقط می‌تواند جهانی را هدایت کند که آماده باشد پیروی کند.

یک تبلیغ موثر از پیا‌های گستاخانه و خودخواهانه به شدت دوری می‌کند